

## شهید عباس پوربھی



نام پدر	عبدالحمید
تاریخ تولد	۱۳۴۴/۰۹/۲۶
محل تولد	بوشهر - بوشهر
تاریخ شهادت	۱۳۶۱/۰۲/۲۲
محل شهادت	خرمشهر
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	دانش آموز
تحصیلات	دوره دبیرستان
مدفن	بوشهر

## زندگینامه

بسم الله الرحمن الرحيم

زندگینامه : شهید عباس پور بهی

شهید عباس پور بهی فرزند عبدالمحمد در تاریخ چهارم آذر ماه ۱۳۴۴ در بهمنی کوی خواجه های متولد شد. تحصیلات ابتدائی خود را در دبستان اخوت خواجه ها به پایان رساند و سپس در مدرسه راهنمایی تحصیلی ، امیرکبیر بوشهر مشغول تحصیل گشت و برای گذراندن دوره آموزش از طرف بسیج سپاه پاسداران عازم کازرون گردید و در کازرون پس از ۲۵ روز آموزش بعثت زانو درد شدید از خدمت معاف و به منزل برگشت ولی بعثت علاقه شدید و زائد الوصفی که به هدف خود یعنی پیروی از امام و جهاد در راه خدا و دفاع از کشور داشت و پس از دو روز توقف با همان پای درد همراه با گروه با تجربه ها یگراست عازم جبهه گردید و در شوش در جبهه رقابیه در همان شب اول هنگام حرکت به طرف خاکریز بر اثر برخورد خود و با مین منور شدیداً مجروح و به پشت جبهه منتقل گردید و از آنجا به اصفهان اعزام سرانجام پس از ده روز در بیمارستان دکتر شریعتی اصفهان بر اثر خونریزی و با نهایت تأسف نبودن دکتر در مدت یکساعت و نیم در تاریخ ۶۱/۲/۷۲ به آرزوی دیرینه خود رسید و روحش به شاخسار خوبان پرواز کرد. عباس که از عنفوان جوانی با اسلام پیوندی ناگسستنی داشت در دوران انقلاب در کلیه راهپیمائیها شرکت می کرد و در انجمن اسلامی دبیرستان و مدرسه راهنمایی فعالیت چشمگیر داشت.

از شهادت هیچ باکی نداشت چنانچه در وصیتنامه خود محل دفن خود را صریحاً روشن ساخته بود و به دوستان خود بارها گفته بود که اولین شهید مله خواجه های من هستم یعنی ( عباس پور بهی )

والسلام

روانش شاد و راهش مستدام باد

## وصیت نامه

بسمه تعالی

وصیت نامه شهید حمید پریش

ما مرد جنگیم و از جنگ هراسی نداریم. سلام به امت قهرمان و شهید پرور ایران ، سلام به مردم مبارز و مسلمان بوشهر سلام به رهبر کبیر انقلاب امام خمینی ، هان ای شهیدان در جوار حق تعالی آسوده خاطر باشید که ملت پیروزی شما را از دست نخواهد داد . اینجا محل محراب و سجده در برابر پروردگار حق تعالی را به چشم می بینیم ای مسلمانان وای کسانی که پشت جبهه ها را تقویت می کنید امام را فراموش نکنید و به رهنمودهای او گوش کنید ک قلب آن بزرگوار را نرنجانید که خداوند سبحان شما را نخواهد بخشید و حال سخنی دارم با پدر و مادر . ای پدر که با رنجهای خود بر من منت گذاشتی و مرا به این درجه از کمال رساندی ، ای مادر ای فرشته نجات ای کسیکه بهشت در زیر پای شماست مرا ببخشید نتوانستم خدمتی برایت انجام دهم . مادر جان اگر چنانچه من شهید شدم بدان که بخاطر رضای خدا و دین رسول الله به این آرزو رسیدم . مادر من امانتی بودم در نزد تو و تو حال این امانت را به صاحب آن برگرداندی . مادر من از علی اکبر و علی اصغر بهتر نبودم . آنها به خاطر خدا و دین او به شهادت رسیدند اگر خدای تبارک گناهان این حقیر را ببخشد و مرا به این آرزو برساند من خوشحال خواهم شد و مادر مبادا به خاطر من اشکی از دیده بر زمین بریزی همسرم از تو خداحافظی می کنم و از تو میخواهم که گریه نکنی و بجان آن برسر مزارم بیائی و چند سوره از سوره های قرآن را بخوان تا روحم شاد شود . برای تو از خدای خویش طلب بخشش می کنم . دیگر بار عرض می کنم من در این دنیا چیزی ندارم که بخوام هدیه کنم تنها جانم بود که آن را نیز به صاحبش بخشیدم

و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران